



ماجرای زمین رهاشده‌ای که ۲ سال پیش به پاتوق امن اهالی محله حجاب تبدیل شد

داستان دل‌نشین پارک کودک

می‌برند. اینجا نور مناسبی هم دارد و خانواده‌ها می‌توانند تا پاسی از شب در بوستان بمانند و از امکانات آن استفاده کنند.

● تفریح بعد از مدرسه

صدای شادی و نشاط کودکی که در حال تاب بازی است شنیده می‌شود؛ مهرشید از مادرش می‌خواهد که او را محکم‌تر تاب دهد. او دانش‌آموز کلاس دوم ابتدایی است و هر روز بعد از مدرسه با مادرش به اینجا می‌آید. زهرا کاشانی می‌گوید: نزدیک خانه ما مدرسه لطیفه واقع است. من و چند نفر از مادران بچه‌ها قرار گذاشته‌ایم که بعد از مدرسه به این پارک بیاییم و نیم ساعتی باهم باشیم، هم ما با هم گپی می‌زنیم و هم بچه‌ها سرگرم هستند.

مشغول گفت‌وگو با زهرا خانم هستیم که حسین فریادی خودش را به ما می‌رساند، او می‌گوید وقتی این پارک را احداث می‌کردند، از ذوقش می‌رفته و برای کارگراها، چای و شیرینی می‌برده است. حسین آقا ادامه می‌دهد: خدا را شکر محیط پارک ما خانوادگی است و اصلاً آدم‌های نااهل در آن رفت‌وآمد نمی‌کنند. کمی آن طرف‌تر پارک غنچه قرار دارد ولی به نظرم محیط اینجا خانوادگی‌تر است و به پاتوق امن اهالی محله تبدیل شده است.

او می‌گوید: من هر روز صبح اینجا ورزش می‌کنم. تجهیزات ورزشی‌اش مناسب است؛ فقط یک میز پینگ‌پنگ کم دارد که درخواستش را به شهرداری داده‌ایم.

حسین سراقی نوغانی که عضو شورای اجتماعی محله حجاب است و برای احداث این پارک، ماه‌ها دوندگی کرده، می‌گوید: سرسبزی این روزهای پارک کجا و زمین رهاشده دوسال پیش کجا. هیچ‌کدام از مجتمع‌های مسکونی این محدوده مشکل پارکینگ ندارند؛ حتی برای پارکینگ مهمان جا به اندازه کافی هست. برای همین زمین بوستان کودک به حال خودش رهاشده بود. هروقت از خانه بیرون می‌آمدی، چند جوان نشسته و مشغول سیگار کشیدن بودند، یا اینکه شده بود محل تجمع زباله. خلاصه که این زمین آفتی برای محله به حساب می‌آمد.

نوغانی می‌گوید: عصرها در پارک محله ما جای سوزن انداختن نیست؛ همسایه‌ها می‌آیند و از خنکای عصرگاهی هوا لذت

رضا ریاحی اماجرای ساخته شدن بوستان کودک در خیابان حجاب ۷۱،۵ قصه جالبی دارد. دوسال پیش، شورای اجتماعی محله حجاب، مصوبه‌ای کاربردی داشت که واقعه درداهایی می‌خورد. براساس این مصوبه، اعضای شورای درخواست کرده بودند زمین رهاشده بین مجتمع‌های مسکونی گلستان، ایثار، تأمین اجتماعی و پرستو که برای پارکینگ مهمان در نظر گرفته شده است، تغییر کاربری پیدا کند و به بوستان محلی تبدیل شود.

همه چیز خیلی سریع اتفاق افتاد. شهرداری منطقه ۱۰ پس از دوندگی‌های مداوم اعضای شورای اجتماعی محله حجاب با این موضوع موافقت کرد و در عرض کمتر از ۶ ماه، یک زمین رهاشده که آفتی برای محله به شمار می‌آمد، به یک پاتوق خانوادگی دل‌نشین تبدیل شد. اهالی نام پارک محله‌شان را «کودک» گذاشته‌اند، چون معتقدند همه این دوندگی‌ها برای بچه‌هایی انجام شد که مکانی برای تفریح در نزدیکی خانه‌شان نداشتند.

● بوستان نقلی و جمع‌وجور

بوستان کودک، چنان نقلی و جمع‌وجور است که از یک ضلع می‌توانی کل پارک را ببینی. در همین یک ذره جا کلی امکانات تفریحی و ورزشی جانمایی شده است، از تجهیزات ورزشی تا پارک بازی کودکان و نشیمن و روشنایی مناسب.

امیرارسلان کلانتر علاوه بر مقام در نقالی، مدال طلای المپιάد آسیایی ریاضی ساسمو را دارد

نقال ریاضی‌دان



و آن‌ها فایل صوتی می‌فرستند.

● کدام داستان شاهنامه را بیشتر دوست داری؟

همه آن‌ها اما، یازده رخ، راکه نشان دهنده مقاومت و رشادت پهلوانان ایرانی است، بیشتر دوست داریم.

● چه درس‌های اخلاقی‌ای از داستان‌های شاهنامه گرفته‌ای؟

از داستان «زال و سیمرغ»، «رستم و سهراب» یاد گرفتیم زود قضاوت نکنیم. اگر زود قضاوت کنیم یا بدون فکر حرف بقیه را بپذیریم به درد سر می‌افتیم.

● کجاها نقالی کرده‌ای؟

خیلی جاها مثل مدرسه‌ام، آرامگاه فردوسی، حرم رضوی، بوستان چهل بازه و جشنواره‌های مختلف.

همیشه شهری لباس نقالی‌اش را بر تن کرده و چوب دستی‌اش را درست گرفته است. باقامتی صاف و چهره‌ای مسلط روبه‌رویمان نشسته و از علایش می‌گوید: گاهی از شاهنامه تعریف می‌کند و گاهی از ریاضی. امیرارسلان کلانتر، دانش‌آموز کلاس پنجم محله آب و برق، در جشنواره‌های مختلف به اجرای نقالی پرداخته و مقام کسب کرده است. او یکی از اجراکنندگان نماهنگ تلویزیونی «پهلوانان نمی‌میرند» است.

همچنین سال ۱۴۰۱ جزو برگزیدگان مرحله اول جشنواره بین‌المللی شاهنامه خوانی بنیاد فردوسی توس معرفی شده است. امیرارسلان از چهار سال پیش در المپιάد ریاضی ساسموستگاپور شرکت کرده و سه سال گذشته را مدال نقره و امسال، مدال طلای این مسابقات علمی را به خود اختصاص داده است.

● شاهنامه خوانی را از کی شروع کردی؟

از شش سالگی. در مدرسه‌ام مسابقه شاهنامه خوانی گذاشته بودند که خوشم آمد و ادامه دادم.

● خواندن داستان‌های شاهنامه

برایت سخت نیست؟

بعضی قسمت‌هایش سخت است. البته از وقتی من شاهنامه را شروع کردم، مادرم همراه من به کلاس‌های آمد و برای قسمت‌هایی که درکش برایش سخت بود، کمک می‌کرد. اگر مادرم هم نتواند کمک کند، از استادان می‌پرسم.

● کدام اجزای را بیشتر دوست داری؟

کلاس سوم که بودم برای نماهنگ «پهلوانان نمی‌میرند»، اجرا داشتم که درباره سردار قاسم سلیمانی بود و از تلویزیون پخش شد. آن را خیلی دوست داشتم. پلان گرفتن‌ها هم برایم جالب بود. علاوه بر این محرم سال گذشته در نخستین سوگواره بین‌المللی سفینه النجاه درباره پیراهن امام حسین (ع) نقالی و پرده خوانی کردم که جزو منتخبان کشوری معرفی شدم. از آن زمان، شناخت و علاقه بیشتری به امام حسین (ع) و واقعه کربلا پیدا کرده‌ام و حس خوبی به آن اجراهایم دارم.

● غیر از شاهنامه به چه کارها و هنرهایی علاقه داری؟
خطاطی می‌کنم و دوره مبتدی و متوسطه آن را طی کرده‌ام. شطرنج بازی می‌کنم. ریاضی را هم خیلی دوست دارم و در المپιάد‌های ساسمو شرکت می‌کنم.

● چه شد که با این طبع هنری سر از المپιάد ریاضی درآوردی؟

زمان کرونا، آموزش‌های مجازی مدرسه در درس ریاضی برایم کافی نبود. در یک مؤسسه ثبت نام کردم. بعد از مدتی آنجا گفتند استعدادت خوب است و من را وارد المپιάد‌های ریاضی کردند.

● در ریاضی چه مقام‌هایی آورده‌ای؟

امسال مدال طلای آسیاد المپιάد ریاضی ساسمو را به دست آوردم. کلاس دوم، سوم و چهارم مدال نقره را گرفتم.

● از ریاضی بیشتر لذت می‌بری یا شاهنامه؟

شاهنامه.

